

Turkish Varieties of Lurestan Province, Influence of Language Contact Situation

Reza Amini^{*} 

Vol. 15, No. 4, Tome 82
pp. 137-168
September & October
2024

Abstract

In this article, the situation of the Turkish varieties of Luristan province is studied. The main languages of the province are Luri and Laki, and in some regions varieties of Persian impacted by Luri. However, in Aligudarz, Azna, and Borujerd counties of the province, there are a number of Turkish-speaking villages too. Turkish varieties spoken in these villages, lexically, and sometimes morphologically and syntactically, show their own specific properties. We can argue that these Turkish varieties have acquired these properties as a consequence of being in contact with Luri as the dominant language of the region. Investigations of this research shows that the Turkish varieties in question, in some lexical categories, clearly, are impacted by Luri and Persian more significantly than the other lexical categories. On the other hand, the Turkish varieties in the three aforementioned counties do not seem to be influenced by Luri equally. Therefore, regarding different conditions of the language communities these varieties are used in, we should imagine different perspectives for them in terms of language survival.

Keywords: Turkish, Lurestan, lexical categories, language communitie

*Corresponding Author: Assistant Professor in Linguistics, Department of Contemporary Languages and Dialects, Research Center of Linguistics, Inscriptions and Texts, Research Institute for Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran; <https://www.orcid.org/0000-0002-0486-2332>; Email: r.amini@richt.ir

1. Introduction

The main languages of Lorestan province in Iran are Luri and Laki, and in some regions, varieties of Persian impacted by Luri. However, in some villages of Aligudarz, Azna and Boroujerd of the province, there are a few Turkish-speaking villages. These varieties have been in contact with Luri, as the dominant language of the province, and Persian as the lingua franca and formal language of Iran. Therefore, we can argue that these Turkish varieties, under the influence of Luri and Persian, have acquired properties that make them different from the other Turkish varieties of Iran, namely Azeri Turkish.

Research Question(s)

In this article, the Turkish varieties of Lorestan are studied, mainly, to answer the following two questions.

A. What are the linguistic properties of Turkish varieties of Lorestan?

B. Knowing that the language communities of Lorestan's Turkish varieties are in contact with a much larger language community, what perspective can be imagined for their survival?

2. Literature Review

Language contact is an important issue in sociolinguistics; and since a large number of different languages around the world are in contact with other languages, the consequences of these contacts are investigated by researchers. However, as far as the author knows, the Turkish varieties of Lorestan are not studied till now. And, even it seems that they are not known out of the province. To the knowledge of the author, Zarinjuyi (2018) is the only report in which the Turkish-speaking villages of Lorestan are mentioned. Additionally, in some historical books we confront the name of Turk tribes of Lorestan region.

3. Methodology

Methodologically, this research is an inductive one, and in terms of method, the research is of descriptive-analytical type. In other words, the results and findings of the research are based on describing and analyzing data. The data are parts of the data have gathered for the “Linguistic Atlas of Iran”.

4. Results

Based on the analyses and discussions of the article, we can argue that vowel harmony, as one of the characteristic features of Turkic languages, has been weakened in Turkish varieties of Lurestan, because of contact with Luri and Persian. Moreover, the data shows that some of the lexical categories of these Turkish varieties are impacted by Luri and Persian, particularly categories of kinship terms and words related to plants. In addition, considering the different conditions of the language communities of these Turkish varieties, it seems that these language varieties are not in the same situation in terms of survival. Accordingly, it seems that Turkish variety of Chaman-Soltan in Aligudarz county, and Turkish varieties of Azna county, are in better conditions, because of having more populous and cohesive language communities. But, the perspective for survival of Turkish varieties of Borujerd county doesn't seem to be hopeful, because of having scattered and small language communities, and the heavy impacts of the much larger community of Luri and migration.



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۵، ش ۴ (پیاپی ۸۲)، مهر و آبان ۱۴۰۳، صص ۱۳۷-۱۶۸

مقاله پژوهشی

<http://dori.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.152.4>

گونه‌های ترکی استان لرستان، اثربرداری از موقعیت تماس زبانی

رضا امینی*

استادیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

چکیده

در این پژوهش، وضعیت گونه‌های ترکی استان لرستان بررسی شده است. زبان‌های غالب این استان لری، لکی و در برخی مناطق، گونه‌ای فارسی متأثر از زبان لری است، اما در شهرستان‌های الیگودرز، ازنا و بروجرد این استان، شماری روستای ترک‌زبان نیز وجود دارد. ترکی رایج در این روستاها، به‌لحاظ واژگانی و گاه ساخت‌واژی و نحوی ویژگی‌های خاصی دارد. از این رو، این مسئله مطرح می‌شود که چنین ویژگی‌هایی ممکن است حاصل قرار داشتن این گونه‌های زبانی در موقعیت تماس با زبان لری، به‌عنوان رایج‌ترین زبان منطقه باشد. بررسی‌های این پژوهش از یک سو نشان می‌دهد که در سطح واژگانی، اثربرداری گونه‌های ترکی لرستان از لری و فارسی در برخی از مقوله‌های واژگانی به نحو معناداری بیش از مقوله‌های دیگر است، و از سوی دیگر، میزان اثربرداری گونه‌های ترکی سه شهرستان مذکور از لری یکسان به‌نظر نمی‌رسد و با توجه به شرایط جامعه‌های زبانی که این گونه‌های ترکی در آن به‌کار می‌روند، باید چشم‌انداز متفاوتی برای آن‌ها متصور شد.

واژه‌های کلیدی: ترکی، لرستان، تماس زبانی، مقوله‌های واژگانی، جامعه زبانی.

E-mail: r.amini@richt.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

در سراسر جهان، با جامعه‌های زبانی خُردی روبه‌رو می‌شویم که در موقعیت تماس با جامعه‌های زبانی کلان‌تر قرار دارند. هر موقعیت تماس زبانی لاجرم به اثرپذیری زبان‌های آن موقعیت از یکدیگر می‌انجامد و اگر بر پایه سرشت قدرت که بر ناهم‌سانی و بی‌قرینگی در داشته‌ها استوار است، به موضوع بنگریم، می‌توانیم بگوییم که در موقعیت‌های تماس، زبان جامعه‌های زبانی کوچک‌تر، یا زبانی که از اعتبار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا ادبی کم‌تری برخوردار است، به میزان بیشتری از زبان کلان‌تر و معتبرتر موقعیت تماس اثر می‌پذیرد (مدرسی، ۱۳۹۱، صص ۷۷-۷۸). این اثرپذیری‌ها رفته‌رفته می‌تواند چهره‌گونه زبانی خُردتر را از گونه‌های دیگر آن زبان که خارج از آن موقعیت تماس هستند دگرگون کند و چنانچه این اثرپذیری ادامه یابد حتی ممکن است گونه زبانی در مرحله‌ای به زبانی آمیخته تبدیل شود و سپس یک‌سره در جامعه زبانی کلان‌تر حل شود.

در استان لرستان، می‌توان یکی از نمونه‌های موقعیت تماس زبانی و اثرگذاری‌های آن را دید. زبان‌های اصلی این استان، لری و لکی و برخی گونه‌های آمیخته فارسی - لری است. با این همه، در شهرستان‌های الیگودرز، ازنا و بروجرد استان لرستان، چند روستای ترک‌زبان وجود دارد که گونه‌های ترکی آن‌ها، به دلیل قرار داشتن در موقعیت «تماس زبانی»، دارای ویژگی‌های مشخصی شده‌اند. با درنظر داشتن این مسئله، در این پژوهش، برآنیم که به دو پرسش زیر پاسخ گوییم: الف) گونه‌های ترکی لرستان چه ویژگی‌هایی دارند؟ ب) با توجه به اینکه جامعه‌های زبانی گونه‌های ترکی لرستان در موقعیت تماس با جامعه زبانی به‌مراتب بزرگ‌تر دیگری قرار دارند، چه چشم‌اندازی را می‌توان برای آن‌ها متصور شد؟

به‌لحاظ روش‌شناسی، این پژوهش، از نوع استقرایی و به‌لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ بدین معنی که از رهگذر تحلیل مجموعه‌ای از داده‌های گونه‌های زبانی مورد نظر، کوشش می‌شود به تعمیم‌ها و پیش‌بینی‌هایی پذیرفتنی درباره آن گونه‌های زبانی دست یافته شود. داده‌های پژوهش، بخشی از داده‌هایی است که برای تهیه اطلس زبانی استان لرستان گردآوری شده‌اند. این داده‌ها که برآمده از واژگانی مختلفی هستند، در این پژوهش دسته‌بندی آوانگاری^۱ و کاویده شده‌اند. آبدی‌هایی که داده‌های آن‌ها در این پژوهش بررسی شده،

عبارت‌اند از «چمن‌سلطان» در شهرستان الیگودرز، «قره‌ملک»، «بزداش» و «پنج زوج» در شهرستان ازنا و «جهان‌آباد» و «نلخاص بالا» در شهرستان بروجرد.^۲

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعه درباره تماس زبانی به دهه‌های آخر سده نوزدهم میلادی بازمی‌گردد (Winford, 2019)، اما کوشش برای بررسی چارچوب‌مند موقعیت‌های تماس زبانی از میانه سده بیستم میلادی به بعد بیشتر شد؛ چه اینکه پژوهشگران دریافتند زبان‌های موقعیت تماس، در سطوح آوایی - واجی، ساخت‌واژی، نحوی و معنایی بر یکدیگر اثرگذار هستند (Grant, 2019). آیکهنوالد^۲ (2019) «تماس زبانی» را در پیوند با زبان‌های درخطر بررسی کرده و این نکته را برجسته کرده است که در بیشتر مواقع، درخطر قرار گرفتن و از میان رفتن زبان‌ها به تدریج روی می‌دهد. از این دیدگاه، زبان‌هایی که در موقعیت تماس با زبان یا زبان‌های بزرگ‌تر قرار دارند، درخطر هستند، چراکه زبان کوچک‌تر رفته‌رفته ویژگی‌های ممیز خود را از دست می‌دهد و در جهت هم‌سانی با زبان بزرگ‌تر حرکت می‌کند و گویشوران آن در هر نسل، نسبت به نسل پیشین، دانش کم‌تری از زبان بومی خود خواهند داشت.

تأثیرپذیری دوسویه زبان‌های ازبکی و فارسی تاجیکی از هم - در آسیای میانه - از نمونه‌های مشخص اثرگذاری زبان‌ها بر یکدیگر، در موقعیت تماس است. این اثرگذاری آنچنان بوده است که منگز^۳ (1995, p. 60) در دسته‌بندی زبان‌های ترکی‌تبار، ازبکی را از گویش‌های ایرانی‌شده این زبان‌ها می‌داند. از سوی دیگر، فارسی تاجیکی نیز در سطوح مختلف واژگانی، ساخت‌واژی و نحوی از ازبکی اثر پذیرفته و به همین دلیل، منگز (Menges, p.190) می‌گوید: «در کنار ایرانی‌شدگی زبان ازبکی، ما شاهد اثر عظیم این زبان ترکی‌تبار بر [زبان] ایرانی [تاجیکی] هستیم: تاجیکی متحمل حمله گسترده واژگان ازبکی شده است، حتی در حوزه عبارت‌ها و واژه‌های معمولی که در کاربردهای روزمره این زبان به کار می‌روند». منگز (ibid) به داده‌های پژوهش دیگری نیز که در ۱۹۳۸ درباره زبان ازبکی افغانستان انجام شده اشاره کرده که نشان می‌دهد در این گونه از ازبکی نیز فرایند ایرانی‌شدگی روی داده، به گونه‌ای که همگونی واکه‌ای در آن به کلی ناپدید شده است.

پژوهشگران ایرانی نیز پژوهش‌هایی را درباره‌ی اثر تماس زبانی بر برخی زبان‌های ایران انجام داده‌اند. برای نمونه، نغزگوی کهن (۱۳۹۲) از رهگذر «بررسی تأثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن» به این نتیجه رسیده که زبان عربی تأثیر چندانی بر نظام واجی فارسی نداشت است، اما نشانه‌های اثرگذاری آن بر نظام واجی برخی گونه‌های محلی فارسی را - به‌ویژه در برخی مناطق مرزی - می‌توان دید. مزینانی و شریفی (۱۳۹۴) نیز در بررسی «نظام واژه‌بستی ضمیری در تاریخ زبان فارسی و علل تحول آن»، تماس زبانی را از عامل‌های تحول نظام واژه‌بستی ضمیری زبان فارسی دانسته‌اند. ایزدی‌فر (۱۳۹۵) «تأثیر تماس زبانی بر ویژگی‌های صرفی و نحوی گویش تاتی رودبار» را بررسی کرده است که نشان می‌دهد به‌دلیل تماس زبانی درازمدت با زبان گیلکی، دگرگونی‌های زیادی در این گونه زبانی روی داده است. حیدری (۱۳۹۸) با «بررسی تأثیر زبان فارسی بر ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی» به این نتیجه رسیده که فعل مرکب در این زبان، ساختی «تازه و ناآشنا» نیست و نمی‌توان آن را حاصل قرض‌گیری از فارسی دانست، اما «فراوانی کاربرد» آن در ترکی آذری، در نتیجه تماس با فارسی، گسترش یافته است. حیدری (۱۳۹۹) همچنین «در چارچوب سلسله‌مراتب تغییرات حاصل از تماس زبانی و پیشرفت همگرایی استولز و استولز^۰ (۱۹۹۶)» به قرض‌گیری‌های ترکی آذری از زبان فارسی نظر کرده است که نشان می‌دهد «الگوی پیوند بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه زبان فارسی در ترکی آذربایجانی تثبیت شده است، اما وام‌گیری الگویی هنوز در سطوح دیگر ساخت زبان ترکی آذربایجانی، از جمله ساخت گروه‌ها و واژه‌ها اتفاق نیفتاده است» (همان، ص. ۴۰). دبیرمقدم و همکاران (۱۳۹۶)، از منظری صرفی - نحوی «رانش‌های» فارسی باستان «در جهت تحلیلی‌شدگی و ساده‌شدگی» را بررسی کرده‌اند. بررسی آن‌ها نشان از این دارد که این «رانش‌ها» یا به تعبیر دیگر «دگردیسی» زبان فارسی «... در اثر تحولات ژرف برون‌زبانی، تاریخی و تماس با غیربومی‌زبانان رخ داده است» (همان، ص. ۱۰).

اما، تا آن‌جا که نگارنده می‌داند، تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی درباره‌ی گونه‌های ترکی استان لرستان انجام نگرفته است، فقط زرین‌جویی (۱۳۹۶، ص. ۲)، در گزارشی که برای «شناسایی و مستندسازی گویش‌های محلی استان لرستان» ارائه کرده، به وجود آبدی‌های ترک‌زبان در این استان اشاره کرده است. در شماری از متن‌های تاریخی نیز اشاره‌هایی به حضور ایل‌های ترک

یا ورود ترک‌ها به منطقه لرستان یا درگیری‌هایی شده است که می‌تواند از عامل‌های سکونت ترک‌زبانان در منطقه لرستان باشد.

۳. پایه نظری پژوهش

این پژوهش، در نگاه کلان، در چارچوب بحث‌های جامعه‌شناسی زبان و در نگاه خردتر در حوزه بحث‌های مربوط به تماس زبانی انجام می‌گیرد. «تماس زبانی»، بیش از هر کس دیگری با نام یوریل واینرایش^۱ و کتاب *زبان‌های در موقعیت تماس: یافته‌ها و مسائل* او گره خورده است. از این رو، پایه نظری این پژوهش نیز بر دیدگاه‌های او در آن کتاب استوار شده است. آندره مارتینه^۲، در دیباچه کوتاهی که بر کتاب مذکور نوشته، «تماس» را زائیده «تقلید» دانسته و تقلید را زائنده «هم‌گرایی زبانی»^۳ (Weinreich, 1979, p. VIII). چنانچه «تماس» درازمدت باشد، زبان‌ها نه تنها در سطوح آوایی و واژگانی، بلکه در سطوح ساخت‌واژی و نحوی نیز از هم اثر می‌پذیرند. منگز (1945, p. 190) از نحو به علم چهره‌خوانی / قیافه‌شناسی^۴ زبان یاد می‌کند. اینکه او چنین به «نحو» می‌نگرد از آنجا ناشی می‌شود که این سطح از زبان بیشترین ایستادگی را در برابر اثرپذیری بیرونی از خود نشان می‌دهد و «بنیادی‌ترین بازتاب ساختار درونی» زبان است. در دیدگاه واینرایش، زمانی می‌توان از تماس زبانی سخن گفت که افرادی زبان‌های مورد نظر را به صورت متناوب به کار ببرند. «کاربرد متناوب» به شکل‌گیری «دوزبانگی»^۵ در موقعیت تماس اشاره دارد. در چنین موقعیتی، انحراف‌هایی از هنجارهای هر یک از زبان‌هایی که در آن موقعیت تماس قرار دارند نیز دیده می‌شود که این همان پدیده زبانی است که با اصطلاح «تداخل»^۶ بدان اشاره می‌شود (Weinreich, 1979, p. 1). تداخل، از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند به بازآرایی الگوهای زبان بینجامد، چه در ساختار نظام آوایی، ساخت‌واژی یا نحوی زبان، چه در حوزه‌هایی همچون واژگان خویشاوندی و رنگ‌واژه‌های زبان (Weinreich, 1979).

بر پایه چنین دیدگاهی، تماس زبانی می‌تواند بر سرشت و عملکرد نظام زبانی اثرگذار باشد و به دگرگونی ژرف آن بینجامد. این موضوع در مواردی که زبان‌های موقعیت تماس به خانواده‌ها یا شاخه‌های زبانی متفاوتی تعلق دارند مهم‌تر است، چه اینکه می‌تواند ویژگی‌های

ساختاری و متمایز زبانی را از آن بزداید و به تعبیر آیکهنوالد (2019, p. 243) «قرض‌گیری منفی»^{۱۲} در آن روی دهد. بدین معنی که تماس زبانی می‌تواند به هم‌سان شدن یک‌سویه یکی از دو زبان موقعیت تماس که احتمالاً اعتبار یا قدرت یا گویشوران کم‌تری دارد با دیگر زبان آن موقعیت بینجامد که اعتبار، قدرت یا گویشوران بیشتری دارد. تداوم چنین قرض‌گیری‌هایی می‌تواند به هم‌سان‌شدگی گویشی^{۱۳} ختم شود، تا آنجا که زبان کوچک‌تر یا نابرخوردار از قدرت و اعتبار موقعیت تماس، به زبانی آمیخته^{۱۴} تبدیل شود.^{۱۵} در این موارد، موقعیت تماس، عملکردی همانند موقعیت‌هایی دارد که شکل‌گیری زبان‌های پیچین^{۱۶} و کریول^{۱۷} را به دنبال دارند^{۱۸} و می‌تواند به بازواژگان‌سازی^{۱۹} زبان کوچک‌تر یا نابرخوردار از قدرت و اعتبار بینجامد (Aikhehenvald, 2019, pp. 253-256).

۴. واکاوی داده‌های پژوهش

داده‌های پژوهش، در هفت مقوله دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند: «اصطلاحات خویشاوندی»، «واژه‌های مربوط به امور و عینیت‌های طبیعی»، «واژه‌های مربوط به بدن انسان»، «نام‌های حیوانات»، «واژه‌های مربوط به گیاهان»، «واژه‌های مربوط به دست‌سازهای انسانی» و «عددها». به منظور فراهم کردن امکان مقایسه داده‌ها، در هر مورد، برابر آن‌ها در ترکی آنری نیز که شناخته‌شده‌ترین گونه ترکی در ایران است، ارائه شده است. اما با توجه به آنکه گونه‌های مورد نظر این پژوهش در شمار زبان‌های ترکی تبار^{۲۰} هستند، پیش از واکاوی داده‌ها، به کوتاهی این زبان‌ها را معرفی می‌کنیم.

۴-۱ زبان‌های ترکی تبار

زبان‌های ترکی تبار، شاخه‌ای از خانواده زبان‌های آلتایی هستند. این زبان‌ها مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک دارند. بسیاری از آن‌ها هشت واکه دارند که چهار تای آن‌ها پیشین^{۲۱} (i, ä, e, ö) و چهار تای آن‌ها پسین^{۲۲} (o, a, u, ü) هستند. این هشت واکه، به چهار واکه گرد^{۲۳} (ö, ü, u, o) و گسترده/ناگرد^{۲۴} (ä, ä, e, i) تقسیم می‌شوند. به همین ترتیب آن‌ها را می‌توان به چهار واکه افراشته^{۲۵} (u, ü, ä, i) و افتاده^{۲۶} (o, a, ö, e) نیز تقسیم کرد (Johanson, 1998, p. 30). به‌لحاظ

ساخت‌واژی، زبان‌های ترکی‌تبار پیوندی^{۲۷} هستند، بدین معنی که معناها با افزوده شدنِ وند/وندهایی به پایه^{۲۸} محقق می‌شوند. نبود جنس دستوری^{۲۹}، مطابقت نکردن صفت با موصوف و عدد با معدود از دیگر ویژگی‌های زبان‌های ترکی‌تبار است. در سطح نحوی، آرایش واژگانی اصلی در زبان‌های ترکی‌تبار به صورت فاعل - مفعول - فعل (SOV) است. از نظر چینش عناصر گروه‌های اسمی نیز به‌طور معمول در زبان‌های ترکی‌تبار، نخست ضمیر اشاره می‌آید، سپس عدد و پس از آن صفت و در پایان هسته؛ برای نمونه، «بو اوچ ماوی کوش» در ترکی استانبولی، به معنای «این چهار پرندۀ آبی». در نظام عددی، بیشتر زبان‌های ترکی‌تبار بر پایهٔ نظام دهگانی عمل می‌کنند. اما عملکرد نظام عدد برخی از آن‌ها - برای نمونه، کاراچای - بالکار^{۳۰} - بر پایهٔ نظام بیستگانی^{۳۱} استوار است و از همین رو است که در زبانِ اخیر عدد «سی» به‌صورت “*eki jiyirma bile on*” (یعنی بیست و ده) بیان می‌شود و پنجاه به‌صورت “*eki jiyirma on*” (یعنی دو تا بیست و ده) و صد به‌صورت “*beş jiyirma*” (یعنی پنج تا بیست) و دویست به‌صورت “*on jiyirma*” بیان می‌شود (Johanson, 1998, pp. 51-2).

۲-۴. اصطلاحات خویشاوندی

اصطلاحات خویشاوندی، بخش مهمی از ذخیرهٔ واژگانی اصلی هر زبانی را تشکیل می‌دهند. به‌طور معمول، در یک زبان، واژه‌های اصلی خویشاوندی نباید از زبان دیگری قرض گرفته شده باشند. در گونه‌های ترکی لرستان، در موارد چشم‌گیری دیده می‌شود که اصطلاحات خویشاوندی متفاوتی از ترکی آذری به کار برده می‌شوند (جدول ۱).

جدول ۱: اصطلاحات خویشاوندی در گونه‌های ترکی لرستان

Table 1: Kinship Terms in Turkish Varieties of Lorestan

| تُرکِش | پس‌زوج | نخاص بالا | جهان‌آباد | چمن‌سلطان | تُرکی |
|----------|-----------|----------------|-----------------------|-----------|---------|
| bowæ | bowæ | bowæ-dædæ-ʔaqa | bowæ | baba | بابا |
| næne | næne | næne | næne | næne | مادر |
| qardaʃ | qardaʃ | qardaʃ | qardaʃ | qardaʃ | برادر |
| badʒɪ | badʒɪ | badʒɪ | badʒɪ | dædæ | خواهر |
| oqlan | oqlan | oqlan | oqlan | oqlan | پسر |
| qez | qez | qez | qez | qez | دختر |
| uʃax | uʃax | uʃax | uʃax | uʃaq | بچه |
| amu | amu | æmi | æmi | æmu | عمو |
| dajɪ | dajɪ | dajɪ | dajɪ | dajɛ | دایی |
| æmme | æmme | æmme | æmme | æmme | عمه |
| xalæ | xalæ | xalæ | xalæ | xalæ | خاله |
| arvad | arvad | arvad | arvat | arvad | همسر |
| Ær | ær - kije | Ær | kji | Ær | شوهر |
| damad | damad | damad | damad | damad | داماد |
| gælin | gælin | gælin | gælin - ærus dælin | gælin | عروس |
| jekæbowæ | jekæbowæ | pedærbozorg | bowæ-bowæsi | jekæbaba | پدربزرگ |
| jekæbowæ | jekæbowæ | pedærbozorg | - | - | پدربزرگ |

| آذری | قرمه‌سک |
|-----------|-------------|
| ata | aqa |
| ana | naenæ |
| qardaŋ | qardaŋ |
| baɖʒɪ | baɖʒɪ |
| ɣɑɣɑ | oqlan |
| qɪz | qɪz |
| uʃax | uʃax |
| æmi | æmu |
| ɖɑʒɪ | ɖɑʒɪ |
| bibi | æmme |
| xɑla | xale |
| ɑrvɑd | ɑrvɑd |
| Ær | Ær |
| curækaæn | damad |
| gælin | gælin |
| bujukbaba | bababozorg |
| bujukbaba | pedærbazorg |

در ترکی چمن‌سلطان، برابریهای «پدر»، «مادر»، «خواهر»، «پسر»، «عمه»، «داماد» و «پدربزرگ - پدر پدر» و «پدربزرگ - پدر مادر» با ترکی آذری متفاوت است. این تفاوت‌ها به دو صورت هستند: در مواردی همچون برابریهای «پدر»، «مادر» و «داماد»، در ترکی چمن‌سلطان، واژه‌های رایج در زبان لری یا فارسی به‌کار رفته و در ترکی آذری برابریهای ترکی آن‌ها، و درباره‌ی واژه‌هایی همچون «پسر» و «پدربزرگ»، گونه‌ای تنوع واژگانی بین ترکی چمن‌سلطان و ترکی آذری دیده می‌شود، بدین معنی که در ترکی چمن‌سلطان برای آن واژه‌ها /oqlan/ و /jækæbaba/ به کار برده می‌شود و در ترکی آذری /ɣɑɣɑ/ و /bujukbaba/. در ترکی چمن‌سلطان، به‌عنوان برابر «عمو»، /æmi/ نیز به‌کار رفته که همانند تلفظ آن در ترکی آذری است و گویشور به این نکته نیز اشاره می‌کند که «/tate/ هم می‌گیم» و توضیح می‌دهد که این اصطلاح «... دیگه قدیمی شده» که این نشان می‌دهد ترکی چمن‌سلطان در گذشته این اصطلاح رایج در زبان لری را (ر.ک. امینی ۱۴۰۰) به کار می‌برده، اما اکنون با تأثیر پذیرفتن از زبان فارسی، «عمو» را جایگزین آن کرده است.

اصطلاحات خویشاوندی گونه‌های ترکی جهان‌آباد و نلخاص بالا نیز در موارد زیادی با ترکی آذری متفاوت است. در اینجا نیز بخشی از این تفاوت، به تنوع در کاربرد واژگان ترکی بازمی‌گردد (برای نمونه، کاربرد /oqlan/ و /ɣɑɣɑ/ در ترکی دو روستای مذکور و ترکی آذری به‌عنوان برابریهای واژه «پسر»، و بخشی از آن به کاربرد واژگان غیرترکی در ترکی روستاهای مورد نظر مربوط است که از میان آن‌ها کاربرد /bowæ/ به‌عنوان برابر «پدر» و

/bowæ-bowæsi/ به‌عنوان برابر «پدربزرگ» درخور توجه است، بدین دلیل که اثرپذیری ترکی آن روستاها از زبان لری را نشان می‌دهد. کاربرد واژه /pedærbozorg/ به‌عنوان برابر «پدربزرگ» در ترکی نلخاص بالا و کاربرد واژه /ærus/ در کنار /gælin/ به‌عنوان برابر «عروس»، در ترکی جهان‌آباد، هم نشان‌دهندهٔ اثرپذیری این گونه‌های زبانی از زبان فارسی است. در روستاهای پنج‌زوج، بُزداش و قره‌ملک نیز نمونه‌های درخور توجهی از اثرپذیری از لری و فارسی دیده می‌شود؛ آنچنان که به‌عنوان برابر واژه پدر، واژه‌های /bowæ/ و /aqa/ در گونه‌های ترکی این روستاها به کار رفته‌اند که هر دو از واژه‌های رایج در لری منطقه هستند، با این تفاوت که /bowæ/ کارکردی ارجاعی دارد و /aqa/ عنوانی احترام‌آمیز برای اشاره به «پدر» است.

واژه /jekæbowæ/ که در روستاهای پنج‌زوج و بُزداش برای اشاره به «پدربزرگ» به کار برده شده نیز درخور توجه است، از این نظر که ترکیبی از واژه /jekæ/ ترکی - یا به احتمال بسیار مغولی رایج در ترکی - و /bowæ/ لری است و همانند موارد دیگر می‌تواند گواهی باشد بر اینکه ترکی روستاهای مورد نظر این پژوهش برای واژه‌سازی یا ترجمه‌های قرضی خود نیز از زبان موقعیت تماس، یعنی لری، بهره گرفته‌اند. از سوی دیگر، کاربرد /bababozorg/ و /pedærbozorg/ در ترکی قره‌ملک می‌تواند نشانی باشد بر اثرپذیری گونه‌های ترکی منطقه از زبان فارسی.

۳-۴. واژه‌های مربوط به عینیت‌ها طبیعی

این مقوله دربردارندهٔ واژه‌های «خورشید»، «ماه»، «ستاره»، «شب»، «روز»، «باد»، «آتش»، «خاک»، «باران»، «برف»، «سنگ» می‌شود. با دقت در داده‌های جدول ۲، درمی‌یابیم که فارغ از تفاوت‌های تلفظی، بین ترکی چمن‌سلطان، جهان‌آباد، نلخاص بالا و ترکی آذری در این مقوله تفاوت واژگانی وجود ندارد؛ اما گونه‌های ترکی پنج‌زوج، بُزداش و قره‌ملک در مواردی با ترکی آذری تفاوت واژگانی دارند. کاربرد واژه /setaræ/ در ترکی پنج‌زوج، بُزداش و قره‌ملک و کاربرد واژه /mah/ در ترکی پنج‌زوج گواه دیگری است بر قرض‌گیری گونه‌های زبانی مورد نظر از زبان لری/ فارسی. البته در داده‌های روستای قره‌ملک، واژه ترکی /wılduz/ نیز به‌عنوان برابر واژه «ماه» ذکر شده که این مورد - همانند موارد مشابه دیگری که در داده‌ها می‌بینیم - نشان‌دهندهٔ آغاز روند

قرض‌گیری از زبان دیگر است که سرانجام، با تداوم فشار عامل‌های غیرزبانی که قرض‌گیری را موجب شده‌اند، به حذف واژه بومی و جایگزینی آن با واژه قرض‌گرفته شده می‌انجامد.

جدول ۲: واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی در گونه‌های ترکی لرستان

Table 2: Words Related to Natural Objects in Turkish Varieties of Lorestan

| فارسی | ترکی | چمن سلطان | جهان باد | تلخا ص بالا | پنج زوج | بُرداش | قره‌ملک | آذری |
|--------|--------|-----------|----------|-------------|---------|--------|--------------|--------|
| خورشید | gim | gim | gim | gim | gim | gim | gim | gum |
| ماه | əj | əj | əj | əj | mdh | əj | əj | əj |
| ستاره | oldoz | oldoz | ildiz | oldoz | setarə | setarə | wlduz setarə | wlduz |
| شب | gedzə | gedzə | gedzə | gedzə | gedzə | gedzə | gedzə | gedzə |
| روز | gildiz | gildiz | gondoz | ginez | giniz | giniz | giniz | gumuz |
| باد | jel | jel | jel | jel | jel | jel | jil | jel |
| آتش | ot | ot | ot | ot | ot | ot | ot | ot |
| خاک | torpax | torpax | torpax | torpax | torpax | torpax | torpax | torpax |
| باران | jaəif | jaəif | jaəif | jaəif | jaəif | jaəif | jaəif | jaəif |
| برف | qar | qar | qar | qar | qar | qar | qar | qar |
| سنگ | dəf | dəf | dəf | dəf | dəf | dəf | dəf | dəf |
| چشمه | bolax | bolax | bolax | - | - | - | - | bolax |

۴-۴. واژه‌های مرتبط با بدن انسان

واژه‌های این مقوله عبارت‌اند از «چشم»، «دهان»، «زبان» و «خون». داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که در این مقوله واژگانی، گونه‌های ترکی لرستان تفاوت واژگانی با یکدیگر و نسبت به ترکی آذری ندارند و در این مقوله نیز تفاوت‌ها به سطح واجی - آوایی محدود می‌شود.

جدول ۳: واژه‌های مرتبط با بدن انسان در گونه‌های ترکی لرستان

Table 3: Words Related to Human Body in Turkish Varieties of Lorestan

| فارسی | چشم | دهان | زبان | خون |
|-----------------|-----|------|------|-----------|
| ترکی چمن سلطان | gez | aqz | del | can |
| ترکی جهان آباد | guz | aqs | dil | caningæil |
| ترکی نلخاص بالا | gez | aqz | drl | can |
| ترکی پنج زوج | gez | aqz | drl | can |
| ترکی بُزداش | gez | aqz | drl | can |
| ترکی قره ملک | giz | aqz | drl | can |
| ترکی آذری | guz | aqiz | dil | qan |

۴-۵. مقوله واژگانی نام حیوانات

این مقوله دربردارنده نام شماری از حیوانات در گونه‌های ترکی لرستان است: «گاو»، «بز»، «بره»، «میش»، «گرگ»، «قاطر»، «سگ»، «مرغ»، «خروس» و «کبوتر». در این مقوله، در دو مورد بین ترکی چمن سلطان و ترکی آذری تنوع واژگانی وجود دارد (جدول ۴) و البته در هر دو مورد این تنوع با واژه‌های ترکی محقق شده و ناشی از قرض‌گیری نیست. در ترکی جهان آباد و نلخاص بالا نیز در این مقوله، نسبت به یکدیگر و نسبت به ترکی آذری، تنوع واژگانی دیده می‌شود. در اینجا نیز بخشی از تنوع به کاربرد واژه‌های ترکی متفاوت مربوط است (برای نمونه، کاربرد /kopæk/ و /it/ به‌عنوان برابر «سگ») و بخشی از آن مربوط به قرض‌گیری

واژه‌های لری و فارسی در ترکی جهان‌آباد و تلخ‌اص بالا (برای نمونه، کاربرد /ma:l/ و /kæbutær/ - /kæftær/ به‌عنوان برابر واژه‌های «گاو» و «کبوتر»). در ترکی جهان‌آباد، گویشور به‌عنوان برابر «قاطر»، واژه /ɪʃæk/ را تولید کرده است که همان‌گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود، در ترکی پنج‌زوج نیز چنین کاربردی دیده می‌شود و بنابراین این کاربرد می‌تواند به معنای تعمیم معنای واژه /ɪʃæk/ که در گونه‌های مختلف زبان ترکی به‌طور معمول در معنای «خر/الاغ» به کار می‌رود باشد، به گونه‌ای که «قاطر» را هم در بر بگیرد.

جدول ۴: مقوله نام حیوانات در گونه‌های ترکی لرستان

Table 4: Animal Names in Turkish Varieties of Loresatan

| فارسی / ترکی | گاو | بز | بزه | میش | گرگ | قاطر | سگ | مرغ | خروس | کبوتر |
|--------------|-------|-------|-------|-------|------|-------|-------|-------|-------|-----------|
| چمن‌سلطان | ikiz | gitʃi | quze | qojen | qurt | qater | kepæk | toʊq | xurus | geɣærtʃin |
| جهان‌آباد | akoz | gitʃi | quze | qojen | qurt | ɪʃæk | kopæk | tox | xɔɾɔs | kæbutær |
| تلخ‌اص بالا | ma:l | gitʃi | bærre | qoʃen | qurt | qater | kepæk | toux | xores | Kæftær |
| پنج‌زوج | mæk | gitʃi | quze | doʃur | qurt | ejæk | kepæk | taug | xores | Kæbutær |
| بُزداش | inæg | gitʃi | quze | qojen | qurt | qater | kepæk | taug | xurus | kæftær |
| قره‌مک | siqir | gitʃi | quze | qojen | qurt | qater | it | taug | xurus | Kæmutær |
| آذری | inæk | gitʃi | quzu | qujun | qu:t | qatir | it | tojoɣ | xɔɾɾs | goværtʃin |

در این مقوله، در ترکی روستاهای پنج‌زوج، بزداش و قره‌ملک نیز بخشی از تنوع مربوط به کاربرد واژه‌های ترکی متفاوت برای اشاره به یک حیوان است: /siqir/ و /mæk/ برای اشاره به «گاو»، /doʔar/ و /qojen/ برای اشاره به گوسفند، /kepæk/ و /it/ برای اشاره به «سگ» و /eʃæk/ و /qater/ برای اشاره به «قاطر». /doʔar/ دگرگون‌شدهٔ واژهٔ /davar/ است که در برخی از گونه‌های ترکی (برای نمونه، ترکی زنجان) به معنای «گوسفند» و «گلهٔ گوسفند» به کار می‌رود. کاربرد واژه‌های /kæmutær/، /kæftær/ و /kæbutær/ به‌عنوان برابر واژهٔ «کبوتر»، در ترکی روستاهای پنج‌زوج، بزداش و قره‌ملک نیز تأییدکنندهٔ تأثیرپذیری آن‌ها از زبان‌های لری و فارسی است.

۴-۶. مقولهٔ واژه‌های مربوط به گیاهان

این مقوله دربردارندهٔ واژه‌های «چوب»، «برگ»، «گل»، «درخت»، «جو»، «بادام» و «هیزم» است. دقت در برابری ترکی این داده‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد که در مقایسه با ترکی آذری، در این مقوله، در ترکی چمن‌سلطان در سه مورد واژه‌های رایج در لری/فارسی به‌کار برده می‌شوند. نکتهٔ درخور توجه این است که در ترکی چمن‌سلطان با آنکه واژهٔ ترکی /aqatʃ/ به‌عنوان برابر «چوب» به کار برده می‌شود، کاربرد دیگر این واژه در معنای «درخت» در این گونهٔ زبانی دیده نمی‌شود. در ترکی جهان‌آباد و نلخاص بالا، برابر واژهٔ «هیزم»، /aqadʒ/ است که به‌عنوان برابر واژه‌های «چوب» و «درخت» نیز به کار برده می‌شود. در واقع، به واریون آنچه که در ترکی چمن‌سلطان دیده می‌شود، در ترکی جهان‌آباد و نلخاص بالا، به جای قرص‌گیری واژهٔ /butæ/، معنای واژهٔ ترکی /aqadʒ/ گسترش داده شده است.

جدول ۵: مقولهٔ واژه‌های مربوط به گیاهان در گونه‌های ترکی لرستان

Table 5: Words Related to Plants in Turkish Varieties of Lorestan

| فارسی ترکی | چوب | برگ | گل | درخت | جو | بادام | هیزم |
|---------------|-------|------|-----|--------|------|-------|-------|
| چمن‌سلطان | aqatʃ | bærg | gil | dæræxt | arpæ | badam | butæ |
| جهان‌آباد | aqatʃ | bælg | gol | aqatʃ | arpæ | badam | aqatʃ |
| نلخاص بالا | aqadʒ | bærk | gol | aqadʒ | dʒu | badam | aqadʒ |

| فارسی ترکی | چوب | برگ | گل | درخت | جو | بادام | هیزم |
|---------------|-------|-------------|-----|-----------|------|-------|------------|
| پنج‌زوج | aqadʒ | bærk | gol | deræxt | arpa | badam | aqadʒ |
| بُزداش | aqadʒ | deræxtbælgɪ | gol | tis aqadʒ | arpa | badam | xurdæaqadʒ |
| قره‌ملک | aqatʃ | bærg | gol | aqatʃ | arpa | badam | oden - pɪʃ |
| آذری | aqatʃ | jarpax | gɒl | aqatʃ | arpa | badam | ɣdɾɪn |

در دسته واژه‌های مربوط به گیاهان در گونه‌های ترکی روستاهای شهرستان ازنای، به‌عنوان برابر واژه «برگ»، گذشته از /bærg/ و /bærk/ در ترکی پنج‌زوج و قره‌ملک که از لری یا فارسی قرض گرفته شده‌اند، در ترکی بُزداش واژه ترکیبی /deræxtbælgɪ/ دیده می‌شود که اجزای آن غیر ترکی است، اما طبق قواعد دستوری ترکی با هم ترکیب شده‌اند. تلفظ /bælgɪ/ در این واژه ترکیبی، مطابق تلفظ واژه «برگ» در زبان لری، یعنی «بَلگ» است. همچنین در ترکی پنج‌زوج به‌عنوان برابر واژه «درخت»، گویشور واژه /deræxt/ را بیان کرده که این البته به معنای کاربرد نداشتن واژه /aqadʒ/ ترکی در این گونه زبانی نیست، چون گویشور واژه اخیر را به‌عنوان برابر «هیزم» به کار برده است. به‌عنوان برابر واژه «هیزم» در ترکی قره‌ملک، یکی از واژه‌هایی که گویشور تولید کرده، /oden/ است. این واژه که در ترکی آذری نیز به «هیزم» اشاره دارد، تنها مورد کاربرد این واژه در کل داده‌های گونه‌های ترکی مورد نظر پژوهش است. در ترکی بُزداش نیز گویشور به‌عنوان برابر واژه «هیزم» /xurdæaqadʒ/ را بیان کرده که ترکیبی از واژه غیرترکی /xurdæ/ (به معنای «خُرده») و /aqadʒ/ ترکی به معنای «چوب/هیزم/درخت» است. با توجه به آنکه در این مقوله شمار چشم‌گیری از واژه‌ها برابر ترکی ندارند، می‌توان نتیجه‌گیری کلی‌تری را مطرح کرد و آن اینکه احتمالاً گونه‌های ترکی ایران در مقوله واژه‌های گیاهی مرتبط با کشاورزی از زبان‌های ایرانی قرض‌گیری بیش‌تری کرده‌اند و از آنجا که کشاورزی مرتبط با زندگی یک‌جانشینی است، چنانچه این حدس پس از انجام بررسی‌های لازم تأیید شود، می‌توان گفت که قرض‌گیری گونه‌های ترکی ایران در این مقوله واژگانی برآمده از آشنایی کم‌تر ترک‌زبانان با زندگی مبتنی بر کشاورزی و یک‌جانشینی بوده است.

۷-۴. واژه‌های مربوط به دست‌سازهای انسانی

این مقوله در بردارندهٔ واژه‌های «یوغ»، «خانه»، «اجاق»، «پنیر» و «نان» است. در این مقوله، در دو مورد، ترکی چمن‌سلطان از زبان لری اثر پذیرفته است؛ یکی دربارهٔ واژهٔ «یوغ» که به جای «یوغ» رایج در فارسی یا /brjʁndʁʁx/ رایج در ترکی آذری، واژهٔ لری /jɔʊ/ در ترکی چمن‌سلطان به‌کار رفته و دیگری دربارهٔ کاربرد واژهٔ /tʃalæ/ که برابر لری «اجاق» است. در ترکی جهان‌آباد نیز به‌عنوان برابر واژهٔ «یوغ»، واژهٔ لری /jɔ/ به‌کار رفته است. همچنین، یکی از برابری‌ها که برای «اجاق» در ترکی نلخاص بالا ذکر شده /tæne:svn/ است که واژه‌های لری است که در فارسی به صورت «تتورستان» نمود پیدا می‌کند.

جدول ۶: مقولهٔ واژه‌های مربوط به دست‌سازهای انسانی در گونه‌های ترکی لرستان

Table 6: Words Related to Human Artifacts in Turkish Varieties of Lorestan

| فارسی ترکی | یوغ | خانه | اجاق | پنیر | نان |
|---------------|-----------|------|------------------|--------|--------|
| چمن‌سلطان | jɔʊ | ej | tʃalæ - odʒaq | pænir | tʃeræk |
| جهان‌آباد | jɔ | ɔj | - | pænir | tʃoræk |
| نلخاص بالا | bonterex | ej | tæne:svn - odʒaq | penner | tʃeræk |
| پنج‌زوج | jotʃe | - | - | pænner | tʃeræk |
| بُزداش | jotʃu | ej | odʒaq | pænir | tʃeræk |
| قره‌ملک | jotʃu | ev | - | pænir | tʃeræk |
| آذری | brjʁndʁʁx | øv | odʒax | pendir | tʃoræk |

کاربرد /jotʃu/ و /jotʃe/ در ترکی روستاهای پنج‌زوج، بُزداش و قره‌ملک، به‌عنوان برابر واژهٔ «یوغ» درخور توجه است، چون این دو واژه که معنای تحت‌لفظی آن‌ها «یوغ چوبی» یا «یوغ ساخته‌شده از چوب» است برگرفته از لری هستند و در نتیجهٔ تماس گویشوران ترک‌زبان سه روستای مذکور با لرزبانان مناطق پیرامونی، وارد گونه‌های ترکی آن روستاها شده‌اند.

۸-۴. مقوله واژگانی عددها

این مقوله، دربردارنده مجموعه‌ای از عددهاست: «یک» تا «ده» و عددهای «بیست»، «صد» و «هزار». مقوله عددها از بنیادی‌ترین مقوله‌های واژگانی زبان‌ها به‌شمار می‌آید و به همین دلیل در برابر تحول‌های زبانی، به‌ویژه قرض‌گیری، بسیار محافظه‌کار عمل می‌کند. در ترکی چمن‌سلطان - صرف نظر از تفاوت‌های آوایی - عددهای «یک» تا «ده» و همین‌طور عدد «بیست» و «صد» با ترکی آذری یکی است.

جدول ۷: مقوله عددها در گونه‌های ترکی لرستان

Table 7: Numbers in Turkish Varieties of Lorestan

| فارسی | ترکی | چمن‌سلطان | جهان‌آباد | تلخ‌صا | پنج‌زوج | بُزداش | قرم‌ملک | آذری |
|-------|--------|-----------|-----------|--------|----------|--------|---------|-------|
| یک | bir | bir | bidzæ | bidzæ | bidzæ | bidzæ | bidzæ | bir |
| دو | iki | iki | iki | iki | iki | iki | iki | iki |
| سه | üç | üç | itf | itf | itf | itf | itf | üç |
| چهار | dört | dört | dert | dert | dert | dert | dirt | dört |
| پنج | beş | beş | beş | beş | beş | beş | beş | beş |
| شش | altı | altı | altı | altı | altı | altı | altı | altı |
| هفت | yedi | yedi | yedi | yedi | yedi | yedi | yedi | yedi |
| هشت | sakiz | sækiz | sækiz | sækiz | - | sækiz | sækiz | sækiz |
| نه | dogot | dogoz | dogoz | dogoz | dogoz | dogoz | dogoz | doquz |
| ده | on | on | on | on | on | on | on | on |
| بیست | igirmi | jirmi | jirmi | jirmi | jirmi | jirmi | jirmi | jirmi |
| صد | iz | ikrælli | sæd | sæd | iki ælli | sæd | sæd | juuz |
| هزار | o:jz | birrın | hzar | hzar | hezar | hezar | hezar | mIn |

بررسی‌های دیگر نگارنده نشان می‌دهد که دیگر عددهای دهگانی نیز در ترکی چمن‌سلطان در کل با ترکی آذری یکی است. اما بر خلاف ترکی آذری که برای عدد «هزار» واژه /min/ را دارد، در ترکی چمن‌سلطان برابر این واژه /o:z/ است که می‌توان گفت کوتاه‌شده /on iz/ (یا /on iz/) است به معنای «ده تا صد». این بدین معنی است که در این گونه زبانی، بر خلاف زبان‌هایی همچون فارسی، انگلیسی، فرانسه و ترکی آذری، عدد «هزار» همانند عددهای «دویست»، تا «نهد» مضربی از «صد» است که این می‌تواند بازمانده‌ای از نظام عددی دیگری باشد. در ترکی جهان‌آباد و نلخاص بالا، از تنوع موجود در کاربرد واژه‌های ترکی /bir/ و /bidzæ/ به‌عنوان برابر «یک» که بگذریم، برابری واژه‌های «صد» و «هزار» درخور توجه هستند. در ترکی نلخاص بالا، برابری این دو واژه /sæd/ و /hzar/ است که وام‌گرفته‌شده از لری/ فارسی است. اما در ترکی جهان‌آباد برابر واژه «صد» /ikælli/ است که به‌واقع برابر جالبی است، بدین دلیل که در اینجا، به جای اینکه همانند زبان‌هایی همچون ترکی آذری، فارسی، انگلیسی، عربی و ... آغاز مقوله صدگان، با عنصر واژگانی متمایزی باشد، عدد «صد» بر پایه عدد /ælli/ («پنجاه») ساخته شده، چه اینکه /ikælli/ در معنای تحت‌لفظی، به معنای «دو تا پنجاه» است. این‌گونه کُگذاری معنای یک عدد، همان‌گونه که درباره برابر عدد «هزار» در ترکی چمن‌سلطان اشاره شد، می‌تواند بازمانده‌ای از نظام عددی متفاوتی در این گونه زبانی باشد.

گویشور ترکی جهان‌آباد همچنین به‌عنوان برابر واژه «هزار»، /birmin/ را تولید کرده که معنای تحت‌لفظی آن «یک‌هزار» است. گویشو ترکی نلخاص بالا درباره کاربرد عدد «هزار» توضیح داده است که /birmin/ مثلاً می‌گن، دیگه ... ما بالاترو نمی‌تونیم بشماریم. بیشتر فارسی می‌گیم اونا رو. ... همون «هزار» می‌گیم. او درباره واژه «صد» نیز در گونه زبانی خود توضیح داده است که /sæd/ [می‌گیم. اما] /iz/ هم می‌گن، قدیم‌تر از ما /iz/ [می‌گن]. این توضیحات نشان می‌دهد که در این حوزه واژگانی، ترکی نلخاص بالا در حال اثرپذیری هرچه بیشتر از لری/ فارسی و از دست دادن واژگان بومی خود است.

در مقوله عددها، در گونه‌های ترکی پنج‌زوج، بُزداش و قره‌ملک، رفتار متفاوت ویژه‌ای با دیگر گونه‌های ترکی مورد نظر پژوهش دیده نمی‌شود، به غیر از اینکه در این سه گونه، گویشوران به‌عنوان برابر «یک» واژه /bidzæ/ را بیان کرده‌اند که این می‌تواند گواهی بر

همسانی آن سه گونه زبانی باشد. در هر سه گونه زبانی مذکور، همچنین گویشوران به عنوان برابر «هزار»، واژه /hezar/ را بیان کرده‌اند که برگرفته از لری/ فارسی است. برابر واژه «صد» در ترکی بُزداش و قره‌ملک /sæd/ بیان شده که آن هم برگرفته از لری/ فارسی است و در ترکی پنج‌زوج /iki ælli/ بیان شده که معنای تحت‌اللفظی آن «دو تا پنجاه» است و در بررسی عددهای ترکی جهان‌آباد، توضیح لازم درباره آن داده شد. با توجه به توضیحی که گویشور ترکی پنج‌زوج درباره عدد «بیست» داده، می‌توان گفت که برابر ترکی این عدد در این گونه زبانی، کهنه و مهجور است، چه اینکه او می‌گوید: «بیستم، بیست تَمَن؛ ترکی می‌گن «بیرمی»»، یعنی، «بیست هم، [برای نمونه، می‌گوییم] بیست تومان، به ترکی گفته می‌شود «بیرمی»». برخی از گویشوران گونه‌های ترکی شهرستان ازنا نیز توضیح‌هایی درباره کاربرد عددهای «هزار» و «صد» در گونه زبانی خود داده‌اند که دال بر آن است که گونه‌های ترکی این منطقه در عددهای بالاتر از صد، گرایش به کاربرد عددهای لری/ فارسی دارند و گویشوران برابری ترکی این عددها را - اگر هم بدانند - به عنوان عناصری کهنه و مهجور به آن‌ها می‌نگردند که کاربردشان، دیگر در زبان‌شان معمول نیست. برای نمونه، گویشور ترکی قره‌ملک درباره برابر هزار می‌گوید «هزار هَمو هزاره دییه» (یعنی «هزار همان هزار است دیگر»). گویشور ترکی بُزداش نیز در توضیح هزار می‌گوید /hezar torkisini bilmiræm hezar dijere/ یعنی «ترکی هزار را نمی‌دانم، هزار می‌گوییم». درباره برابر «صد» در گونه زبانی خود نیز این گویشور می‌گوید /mæn ke bilmiræm .../ یعنی «من که نمی‌دانم ...».

۵. بحث

در دیگر مقوله‌های واژگانی گونه‌های ترکی لرستان نیز کم و بیش وضعیتی همانند مقوله‌های بررسی‌شده در بالا دیده می‌شود. بدین معنی که یا تفاوت واژگانی میان آن‌ها و ترکی آذری وجود ندارد، یا در صورت وجود تنوع واژگانی میان آن‌ها با ترکی آذری، این تنوع یا به کاربرد واژه‌های ترکی مختلف مربوط است، یا به قرض‌گیری از زبان‌های لری و فارسی. برای نمونه، برابر واژه‌هایی همچون «نَر» و «ماده»، در هر شش گونه ترکی مورد نظر این پژوهش، با برابر آنها در ترکی آذری (یعنی /erkæk/ و /diʃi/) یکی است، البته گاهی با برخی تفاوت‌های تلفظی: /ærkæk/ و /diʃi/ در ترکی چمن‌سلطان؛ /erkæk/ و /diʃe/ در ترکی نلخاص بالا؛

/erkæk/ و /dɪʃi/ در ترکی جهان‌آباد؛ /erkæk/ و /dɪʃi/ در ترکی قره‌ملک و /erkæk/ و /dɪʃe/ در ترکی پنج‌زوج و بُدَاش. به همین ترتیب، برابر واژه‌های «شیرین» و «نماز» در هر شش گونهٔ زبانی مورد نظر با ترکی آذری یکی است. در برابر، در واژه‌هایی همچون «دور»، «نزدیک»، «انسان آبستن» و «حیوان آبستن» تفاوت‌های واژگانی درخور توجهی بین گونه‌های زبانی مورد نظر و ترکی آذری دیده می‌شود: در ترکی چمن‌سلطان، برابر واژه‌های «دور» و «نزدیک» /irag/ و /joxom/ هستند، در حالی که در ترکی آذری برابره‌های آن دو واژه /wɔzax/ و /jaxin/ هستند. در ترکی جهان‌آباد برابر واژهٔ «دور» /irax/ و برابر واژهٔ «نزدیک» /næzik/ است که برگرفته از زبان لری است. در ترکی نلخاص بالا به‌عنوان برابر این دو واژه، ما /irag/ و /joux/ را می‌بینیم. در ترکی پنج‌زوج برابره‌های این واژه عبارت‌اند از /irax/ و /næzik/ و در ترکی بُدَاش /irax/ و /næzdik/ در ترکی قره‌ملک اما برابره‌های این دو واژه /irax/ و /jaxin/ هستند که دومی همان واژه‌ای که در ترکی آذری نیز به‌کار می‌رود.

در ترکی آذری، به‌عنوان برابر ترکیب‌های «انسان آبستن» و «حیوان آبستن»، بیش‌تر واژه‌های /boqaz/ و /bxjluq/ به کار گرفته می‌شود. در گونه‌های ترکی لرستان تفاوت‌های درخور توجهی در برابره‌های این دو ترکیب دیده می‌شود. برابر ترکیب «انسان آبستن» در ترکی چمن‌سلطان /ikidʒanli/ (به معنای «دو جان‌دار») و برابر «حیوان آبستن»، /boqaz/ است. در ترکی جهان‌آباد، به‌عنوان برابر ترکیب‌های «انسان آبستن» و «حیوان آبستن»، /qarnidolor/ و /mal qarnidolor/ به‌کار رفته است و در ترکی نلخاص بالا، برای هر دو، /ɾwes/ این بدان معنی است که در ترکی جهان‌آباد، برای متمایز کردن «انسان آبستن» از «حیوان آبستن»، با بهره‌گیری از واژهٔ /mal/ لری (که ورود آن را به گونه‌های ترکی لرستان در موارد دیگری نیز می‌بینیم و در لری برای اشاره به عموم چهارپایان مزرعه‌ای به کار می‌رود) واژه‌ای ترکیبی ساخته شده است؛ و در لری نلخاص بالا نیز ضمن آنکه تمایزی میان «انسان آبستن» و «حیوان آبستن» دیده نمی‌شود، واژهٔ /ɾwes/ لری برای بیان آن دو مفهوم به کار گرفته شده، هرچند که بر پایهٔ توضیح گویشور دربارهٔ «آدم»، واژهٔ /qarnidoli/ نیز به کار برده می‌شود. به همین ترتیب، در ترکی پنج‌زوج، برابر «حیوان آبستن» /male boqaz/ است که آن نیز مؤید اثرپذیری گونهٔ ترکی این روستا از زبان لری است. کاربرد /arvade boqaz/ به‌عنوان برابر «انسان آبستن»، در گونهٔ ترکی این روستا، مؤید اثرپذیری آن از لری/ فارسی

است، بدین دلیل که با وجود آنکه اجزای واژگانی این ترکیب ترکی هستند، ساخت آن غیرترکی و متأثر از ساخت اضافه لری و فارسی است.^{۳۲} در ترکی بُزداش، به‌عنوان برابر انسان آبستن واژه‌های /hamelæ/ و /abestæn/ به‌کار می‌روند که هر دو غیرترکی هستند، و به‌عنوان برابر «حیوان آبستن» /boqaz/ به‌کار می‌رود که ترکی است. گویشور ترکی قره‌ملک، برابر واژه «حیوان آبستن» را /abesæn/ ذکر کرده که برآمده از تلفظ لری واژه «آبستن» است. توضیحی که گویشور ترکی قره‌ملک دربارهٔ برابر واژه «حیوان آبستن» در گونهٔ زبانی خود داده نیز مؤید اثرپذیری از زبان لری است: «اُنم همی می‌گیم آسِن»، یعنی «آن را هم می‌گوییم آبستن».

اثرپذیری واژگانی گونه‌های ترکی لرستان از زبان لری را در جمله‌هایی که گویشوران تولید کرده‌اند نیز می‌توان دید. برای نمونه، گویشور ترکی نلخاص بالا، در تولید برابر ترکی جملهٔ «در آب‌انبار هنوزم آب هست»، نخست واژهٔ /ʔabæmbarda/ را به‌عنوان برابر گروه حرف‌اضافه‌ای «در آب‌انبار» تولید کرده است، اما زمانی که جمله را دوباره تکرار می‌کند /ʔeuæmbarda/ را به‌عنوان برابر آن گروه به‌کار می‌برد که در آن، به جای واژهٔ فارسی «آب»، برابر لری آن یعنی /ʔeu/ دیده می‌شود: /ʔeuæmbarda gænæ su vardır/. گویشور ترکی نلخاص بالا، همچنین به‌عنوان برابر جملهٔ «فاطمه می‌خواست گاوها را بدوشد»، جملهٔ زیر را تولید کرده که در آن mallæri به‌عنوان برابر «گاوها» به‌کار رفته است: /fateme istirdi mallæri saqa/. به کارگیری mallæri در معنای «گاوها»، زیر تأثیر زبان لری انجام شده است.

در برخی از گونه‌های ترکی لرستان، در مقولهٔ عددها رفتاری متفاوت با ترکی آذری دیده می‌شود. این رفتار را می‌توان پایهٔ طرح فرضیه‌هایی دربارهٔ سرچشمه‌ها یا پیوندهای گونه‌های ترکی لرستان با گونه‌های زبانی دیگری به غیر از ترکی آذری قرار داد. چنانچه از رهگذر آزمودن چنین فرضیه‌هایی نتوان ثابت کرد که گونه‌های ترکی لرستان سرچشمه‌ای متفاوت از ترکی آذری دارند، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که ویژگی‌های کنونی در نظام عددی برخی از گونه‌های ترکی لرستان بازمانده‌های نظام کهنی هستند که در ترکی آذری اثری از آن باقی نمانده است. گفتن ندارد که پذیرفتن هر یک از این فرضیه‌ها منوط به انجام پژوهش‌های ژرف و همه‌سویگر است.

اثرپذیری گونه‌های ترکی لرستان از لری به‌عنوان زبان موقعیت تماس، بیان‌گر نکته‌های

درخور توجهی است. دیدیم که این گونه‌ها در مقوله اصطلاحات خویشاوندی تفاوت چشم‌گیری با ترکی آذری دارند. این تفاوت‌ها، بیش از آنکه سرچشمه در زبان فارسی، به‌عنوان زبان رسمی و برخوردار از اعتبار ملی داشته باشد، سرچشمه در لری به‌عنوان زبان موقعیت تماس دارد. در واقع، در حوزه اصطلاحات خویشاوندی که به مراودات اجتماعی و خانوادگی مربوط است، قرض‌گیری از جامعه زبانی صورت گرفته است که گویشوران زبان قرض‌گیرنده در تماس اجتماعی - فرهنگی بلافصل با آن هستند.

به همین ترتیب، کاربرد واژه‌هایی همچون /jotʃiw/ و /jɔ/ (در معنای «یوغ») در گونه‌های ترکی لرستان که برگرفته از زبان لری هستند، مؤید آن است که در امور مربوط به معیشت و کار نیز زبان‌ها در وهله نخست از زبانی که در موقعیت تماس با آن قرار دارند قرض‌گیری می‌کنند، چه این‌که در غیر این‌صورت ترک‌زبانان لرستان به جای آن‌که /jotʃiw/ و /jɔ/ را از لری قرض بگیرند، باید برابر آن یعنی «یوغ» را از فارسی قرض می‌گرفتند که اعتبار اجتماعی - فرهنگی ملی و رسمی دارد.

در واکاوای داده‌ها، دیدیم که برخی از گویشوران، برای توضیح معنای برخی واژه‌ها یا بیان چگونگی کاربرد و میزان رواج آن‌ها در گونه زبانی خود، از زبان لری بهره گرفته‌اند. این بدان معنی است که گونه‌ای چندزبانگی در جامعه‌های زبانی ترک‌زبانان لرستان برقرار است و آن‌ها افزون بر ترکی که زبان مادریشان است و فارسی که زبان رسمی کشور است، لری را نیز خوب می‌دانند. به سخن دیگر، لری به‌عنوان زبان غالب منطقه از گونه‌ای اعتبار محلی برخوردار است و به‌عنوان زبان ارتباط‌های محلی کاربرد دارد.

ورود عناصر زبان لری به برخی از حوزه‌های واژگانی گونه‌های ترکی لرستان، هم‌راستا با همان چیزی است که واینرایش (همان) درباره تداخل و ورود عناصری از یک زبان به حوزه‌هایی همچون واژگان خویشاوندی و رنگ‌واژه‌ها زبان دیگر گفته است. همچنین، با توجه به ورود درخور توجه عناصر لری به گونه‌های ترکی لرستان، می‌توان گفت که به تعبیر واینرایش این دو زبان به‌طور متناوب در ارتباط‌های لرزبانان و ترک‌زبانان منطقه به‌کار گرفته می‌شود و همین زمینه اثرپذیری‌های مختلف و البته متفاوت آن‌ها از یکدیگر را فراهم کرده است.

نکته دیگری که در پیوند با گفته‌های واینرایش - در کتاب *زبان‌های در موقعیت تماس: یافته‌ها و مسائل* - درباره رابطه لری و ترکی در لرستان گفتنی به‌نظر می‌رسد، اثر ورود

عنصری از یک زبان به زبان دیگر است که می‌تواند بر کل نظام زبانی اثر بگذارد. دیدیم که در عرصه واژه‌های خویشاوندی و واژه‌های مربوط به گیاهان یا دست‌سازهای انسانی و همچنین نظام عددهای گونه‌های ترکی استان لرستان، ورود عنصرهای لری/فارسی، محسوس و گاه چشم‌گیر است. همچنین دیدیم که برخی از گویشوران گونه‌های زبانی مورد نظر، ضمن آنکه برابر بومی واژه مورد پرسش را در گونه زبانی خود می‌دانند، با اشاره به کهنه و قدیمی بودن آن، برابر لری یا فارسی آن را بیان می‌کنند و می‌گویند که اکنون ما این را می‌گوییم. این امر نشان می‌دهد که ورود عناصر غیربومی به این گونه‌های زبانی می‌تواند راه‌گشای ورود عناصر دیگری هم باشد و سرانجام نظام هر مقوله زبانی و نظام کل زبان را دست‌خوش دگرگونی ژرف کند. به همین سان، اشاره‌هایی که گویشوران به کهنه شدن برخی از عناصر گونه زبانی خودشان و کاربرد نداشتن آن در زمان کنونی دارند می‌تواند گواه دیگری باشد بر جریان بودن تحولات زبانی در گونه‌های زبانی آن‌ها. می‌توان گفت که، در موقعیت‌های تماس، این‌گونه تحولات با توجه به آنکه با عامل‌های اجتماعی همچون «اعتبار» زبان پیوند دارند، درنهایت به حذف عناصر زبانی می‌انجامد که به هر دلیل از قدرت کم‌تری برخوردار است.

این امر همچنین در پیوند با آنچه که آیکهنوالد (2019) از آن به‌عنوان «قرض‌گیری منفی» یاد کرده نیز تبیین‌پذیر است، بدین معنی که هر چه تماس دو جامعه زبانی بیشتر می‌شود، با ورود نامتوازن عناصر یکی به دیگری، احتمال روی دادن قرض‌گیری در حوزه‌هایی که میان دو گونه زبانی تفاوت وجود دارد، بیشتر است که همین در گذر زمان می‌تواند سیمای زبان قرض‌گیرنده را دگرگون کند. این امر گذشته از آنکه با عامل‌های اجتماعی مرتبط است، می‌تواند در پیوند با عامل‌های روانی و ذهنی هم تبیین شود، بدین دلیل که حذف یا ساده‌سازی مؤلفه‌ها و حوزه‌های متفاوت دو زبان موقعیت تماس، می‌تواند در پیوند با گرایش کلی انسان به امور و سازکارهای ساده‌تر باشد.

۶. نتیجه

با توجه به داده‌های بررسی‌شده از گونه‌های ترکی استان لرستان و درنظر داشتن پرسش نخست پژوهش، می‌توان استدلال کرد که همگونی واکه‌ای که از ویژگی‌های اصلی زبان‌های ترکی‌تبار است، در این گونه‌های زبانی، متأثر از زبان‌های لری و فارسی، تضعیف شده است. در حوزه

واژگان نیز، با آنکه در مقوله‌هایی همچون واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی، تفاوتی میان گونه‌های ترکی لرستان با ترکی آذری وجود ندارد، در مقوله‌هایی همچون اصطلاحات خویشاوندی و واژه‌های مربوط به گیاهان، تفاوت‌های چشم‌گیری میان گونه‌های ترکی لرستان و ترکی آذری وجود دارد که می‌توان گفت زاینده برخورد این گونه‌های زبانی با زبان لری به‌عنوان زبان غالب منطقه است. بر این مبنای، همچنین شاید بتوان گفت که در این حوزه‌ها، گونه‌های ترکی استان لرستان با گونه‌های ترکی دیگر مناطق ایران نیز تفاوت دارند. از سوی دیگر، و در پیوند با پرسش دوم پژوهش، می‌توان گفت که چشم‌انداز یکسانی نمی‌توان برای همگی گونه‌های ترکی لرستان متصور شد. درباره گونه ترکی چمن‌سلطان، با توجه به آنکه، نسبت به دیگر گونه‌های ترکی لرستان، جمعیت گویشوران آن چشم‌گیر است، امکان حفظ انسجام جامعه زبانی و در نتیجه، بقای گونه زبانی آن بیشتر است؛ به‌ویژه آنکه گویشوران ترکی چمن‌سلطان حس خوبی نسبت به آن دارند و آن را در موقعیت‌های مختلف به‌کار می‌برند که این موضوع، از نظر جامعه‌شناسی زبان، در حفظ و بقای یک گونه زبانی اهمیت بسیاری دارد. درباره ترکی روستاهای ازنا نیز، با توجه به آنکه چند روستای ترک‌زبان در این شهرستان در کنار یکدیگر قرار دارند و این روستاها با برخی از روستاهای ترک‌زبان استان مرکزی نیز همسایه هستند و همین، امکان به‌کارگیری زبان ترکی را در گفت‌وگوها و مراودات محلی افزایش می‌دهد، می‌توان برای بقای گونه‌های ترکی شهرستان ازنا نیز چشم‌انداز روشنی متصور شد؛ به‌ویژه اینکه، در این روستاها، در رده‌های سنی مختلف، به ترکی سخن گفته می‌شود که این به معنای انتقال گونه زبانی بومی به نسل‌های جوان است و در صورت تداوم همین شرایط، شاید بتواند به معنای انتقال آن به نسل‌های آینده هم باشد. به نظر می‌رسد که عامل مهم تهدیدکننده بقای گونه‌های ترکی شهرستان ازنا، جمعیت کم هر روستا باشد که در هر دو صورت مهاجرت به درون و برون روستا، می‌تواند بر جامعه زبانی روستا و گونه زبانی آن، اثر زیان‌باری داشته باشد. اما برای گونه‌های زبانی نلخاص بالا و جهان‌آباد، با توجه به دورافتادگی آن‌ها از دیگر روستاهای ترک‌زبان استان لرستان، جمعیت کم و تماس گسترده‌تر با جامعه‌های زبانی بزرگ‌تر منطقه، به آسانی نمی‌توان چشم‌انداز روشنی متصور شد. در واقع، داده‌های بررسی‌شده از چند مقوله واژگانی گونه‌های زبانی مورد نظر پژوهش، مؤید آنند که جامعه‌های زبانی که این گونه‌های زبانی در آن‌ها به‌کار برده می‌شوند، با توجه به موقعیتی که در آن قرار دارند، اثرپذیری‌های متفاوتی از

موقعیت تماس زبانی داشته‌اند.

۷. پی‌نوشت‌ها

۱. آوانگاری داده‌ها با بهره‌گیری از «الفبای آوانگار بین‌المللی» (International Phonetic Alphabet) موسوم به IPA، و صفحه‌کلید برخط <https://westonruiter.github.io/ipa-chart/keyboard/> انجام شده است.

۲. در شمار دیگری از روستاهای شهرستان ازنا نیز ترکی رایج است: «آشورآباد»، «چرخستان»، «گله» (حدود سی درصد اهالی ترک‌زبان هستند)، «داودیغمیر»، «بیدستان»، «شاه‌پهنه»، «پیرجان»، «پرچستان»، «مالیچه»، «قلعه‌خلیفه»، «کلبر»، «قطعات»، «آق‌بلاغ محمدولی»، «کامیان بالا»، «کامیان پایین»، «دره زوله»، «ده موسی»، «کهریز»، و «ده حاجی».

3. Aikhenvald
4. Menges
5. Stolz & Stolz
6. Uriel Weinreich
7. André Martinet
8. linguistic convergence
9. psychonymy
10. bilingualism
11. interference
12. negative borrowing
13. dialect leveling
14. mixed or blended languages

۱۵. از زبان‌های ایرانی که گفته می‌شود به‌سبب قرار داشتن در موقعیت تماس، به‌صورت زبانی آمیخته درآمده‌اند، یکی آسی/ اُستی است که باور بر این است به‌دلیل تماس درازمدت با زبان‌های دیگر منطقه قفقاز سررشتی آمیخته یافته (ر.ک. بلیاتوف (Belyaev, 2019) که در آن دیدگاه‌های آبايوف (Abaev) و کسان دیگری در این زمینه بررسی و نقد شده است)، و دیگری زبان کومزاری در استان مُسندَم عمان که گفته می‌شود به‌سبب تماس درازمدت با زبان عربی، به حالتی آمیخته به خود گرفته است (ر.ک. Anonby, 2019).

16. Pidgin
17. Creole

۱۸. در زمینه شکل‌گیری زبان‌های پیچین و کریول و پیوند این موضوع با موقعیت‌های تماس/ برخورد زبان‌ها، ر.ک. مارتاس (Martas, 2009, pp.275-288) و آسنالدو (Asnaldo, 2009). در منبع دوم،

شکل‌گیری زبان‌های موقعیت تماس در منطقه جنوب و جنوب خاوری آسیا، در پیوند با عامل‌های اکولوژیکی و چگونگی تکامل زبان بررسی شده است.

19. relexification
20. Turkic languages
21. front
22. back
23. rounded
24. unrounded
25. high
26. low
27. agglutinative
28. base
29. grammatical gender
30. Karachay – Balkar
31. vigesimal

۳۲. در ترکی جهان‌آباد نیز به‌عنوان برابر «گاو نر» /gave-erkæk/ (یعنی «گاو نر») تولید شده که ساخت فارسی دارد. به همین سان، در ترکی پنج‌زوج نیز برابر جمله «در آب‌انبار هنوز آب هست» بدین صورت بیان شده است که آن هم ساختی فارسی دارد:

33. /ænbare sudæ gænæ su vardır/

۳۴. در این جمله، /ænbare su/ برابر واژه «آب‌انبار» و به لحاظ تحت‌لفظی، به معنای «آب‌انبار» است.

۸. منابع

- امینی، ر. (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی تنوع واژگانی در آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۱۱، ۷-۳۳.
- ایزدی‌فر، ا. (۱۳۹۵). تأثیر تماس زبانی بر ویژگی‌های صرفی و نحوی گویش تاتی رودبار. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۲، ۱۶۲-۱۷۶.
- حیدری، ع. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر زبان فارسی بر ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی. *پژوهش‌های زبانی*، ۲، ۶۶-۸۲.
- حیدری، ع. (۱۳۹۹). سلسله‌مراتب قرض‌گیری زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲، ۳۹-۵۹.
- دبیرمقدم، م.، منشی‌زاده، م.، و باشه‌آهنگر، ح. (۱۳۹۶). تماس زبانی و دگردیسی فارسی

- باستان. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ۸، ۴-۹.
- زرین‌جویی، م. (۱۳۹۶). شناسایی و مستندسازی گویش‌های محلی استان لرستان. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون.
 - مزینانی، ا.، و شریفی، ش. (۱۳۹۴). بررسی نظام واژه‌بندی ضمیری در تاریخ زبان فارسی و علل تحول آن. *جستارهای زبانی*، ۴ (۲۵)، ۲۷۵-۳۰۵.
 - مدرس، ی. (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - نغزگوی کهن، م. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۵، ۶۵-۹۴.

References

- Aikhenvald, A. Y. (2019). Language contact and endangered languages. In A. P. Grant (Ed.), *The Oxford handbook of language contact* (pp. 241–260). Oxford University Press.
- Amini, R. (2021). Lexical variation in villages of Khorramabad. *Persian Language and Iranian Languages*, 6(1), 103–128. [in Persian]
- Aslando, U. (2009). *Contact languages: Ecology and evolution in Asia*. Cambridge University Press.
- Belyaev, O. (2019). Contact influences on Ossetic. In P. Grant (Ed.), *The Oxford handbook of language contact* (pp. 467–493). Oxford University Press
- Dabimoghadam, M., & Monshizade, M. (2018). Language contact and transformation of old Persian. *Journal of Iranian Languages and Dialects*, 8, 4–9. [in Persian]
- Grant, A. A. (2019). *The Oxford handbook of language contact*. Oxford University Press.
- Heidari, A. (2020). The borrowing hierarchy of Azerbaijani from Persian. *Journal*

of Westerrn Iranian Languages and Dialects, 8(2), 39–59. [in Persian]

- Heydari, A. (2020). The effect of Persian on Azerbaijani compound verb construction. *Journal of Language Research*, 10(2), 67–82. [in Persian]
- Izadifar, R. (2017). The influence of language contact on the morphological and syntactic characteristics of the Rudbari dialect of Tati. *Persian Languages and Iranian Languages*, 1(2), 161–176. [in Persian]
- Johanson, L. (1998). The structure of Turkic. In L. Johanson & É. Á. Castó (Eds.), *The Turkic languages* (pp. 30-66), Rutledge.
- Martas, Y. (2009). *Language contact*. Cambridge University Press.
- Menges, K. H. (1995). *The Turkic languages and peoples: An introduction to Turkic studies*. Harrassowitz Verlag.
- Mazinani, A., & Sharifi, Sh. (2015). Pronominal clitic system in the course of Persian history and the causes of its change. *Journal of Langage Related Research*, 6(4), 275–305. [in Persian]
- Modarresi, Y. (2012). *An introduction to sociolinguistic*. Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Naghzgouye Kohan, M. (2013). A study of Arabic influence on phonological system of Persian and its varieties. *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research*, 3(5), 65–94. [in Persian]
- Weinreich, U. (1979). *Languages in contact: Findings and problems*. Mouton Publishers.
- Winford, D. (2019). Theories of language contact, In A. P. Grant (Ed.), *The Oxford handbook of language contact* (pp. 51–74). Oxford University Press.
- Zarinjuyi, M. (2018). *Finding and documentation of local dialects of Lorestan province*. Cultural Heritage Organization, Department for Linguistics, Manuscripts and Texts. [in Persian].